یادداشت روز

جهاد کبیر در افق دولت دوازدهم

۱- اتفاقاتی مانند انتخابات، جزو هیجان‌انگیزترین بخش‌های سیاست است و چون نتایج آن را زود می‌توان مشاهده کرد، بسیاری را دنبال خود می‌کشاند؛ از چپ تا راست، از مدعی اصلاح‌طلبی تا اصولگرایی. به همین دلیل فصل انتخابات - که غالبا هر سال هست - فصل رونق و طمطراق سیاست است. اما آیا تکلیف نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی نیز همین است که رونق و رکود فعالیتشان مانند برخی حرفه‌ای‌های سیاست، معطوف به سررسید یا سپری شدن ایام انتخابات شود؟ یا تکلیف دیگر و مهم‌تری متوجه آنهاست که انتخابات را - با همه اهمیتی که دارد - باید فرع بر آن مسئولیت مهم‌تر دید؟! اگر مثلا انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ مهم است، آیا باید متوقف در اسامی نامزدها شد؟

۲- انتخابات، اگر برایش زحمت بکشید، مانند کاشتن سبزی است. اگر سبزی خوردن ظرف چند روز عمل می‌آید، انتخابات نیز نهایتا چند ماه کار و زحمت می‌برد. اما کار عمیق و زیرساختی فرهنگی در عرصه افکارعمومی، مانند کاشتن و داشتن نخل یا درخت گردو است که گاه یک دهه حوصله می‌طلبد. کارهای زود بازده و پرطمطراق و پرعنوان سیاسی معمولا دیده می‌شوند، به چشم می‌آیند و نسبتا زود به ثمر می‌نشینند حال آن که کارهای ماندگار فرهنگی، دیر به بازدهی می‌رسند، کم جلوه‌اند و در نگاه ظاهراندیشان دیده نمی‌شوند. اینجا مرز باریکی میان «ایمان به غیب» و «صبر مومنانه» با «نگاه ماتریالیستی» وجود دارد. کاری که امام موسی‌صدر و شهید مصطفی چمران با گمنامی تمام در جنوب لبنان کردند، در زمان خود هیچ به چشم نیامد و با حوصله‌های معمول جور درنمی‌آید اما امروز ثمره مبارک آن مجاهدت بی‌هیاهو نه فقط در لبنان بلکه به عنوان سمبل مقاومت و پیروزی (حزب‌الله) در چهارگوشه منطقه می‌درخشد.

۳- سیاست‌زدگی، انتخابات‌زدگی و نامزدبازی بدون اولویت قائل شدن به موضوع افکارعمومی و حیات اجتماعی مردم، مانند جاده کشیدن بدون زیرسازی است. زیرسازی یک جاده و کوبیدن و محکم کردن آن چندین برابر آسفالت ریختن زمان می‌برد و پیمانکارانی که بدون زیرسازی، آسفالت می‌ریزند، خلاف قاعده عمل می‌کنند. چند ماه بعد هم، دل و روده بیرون زده همین جاده، اعتبار آنها را به چالش می‌گیرد. (چیزی مانند وعده‌های روی زمین مانده دولت فعلی). اگر افکار عمومی درست و بر مبنای شعارهای ناب انقلاب پرورده شد، ۸۰-۹۰ درصد راه سیاست و انتخابات در جمهوری اسلامی به درستی پیموده شده و آن وقت ریاست این یا آن نامزد چندان تفاوتی نمی‌کند، اما اگر روح ژرف‌اندیشی و حریّت و مطالبه‌گری اصول و آرمان‌ها از افکارعمومی سلب شود، بهترین نامزدها نیز در پیمودن مسیر دچار مشکل خواهند شد تا چه رسد به انتخاب ناصالحان.

۴- خلاصه چند رهنمود اخیر رهبر معظم انقلاب درباره «جهاد کبیر»، اهمیت نه گفتن به استکبار (عدم تبعیت از او) به واسطه تبیین درست واقعیت‌ها برای افکارعمومی و مطالبه «پیشرفت و اقتدار ملی» از مسئولان و دستگاه‌ها، به عنوان ابزار و ضرورت نه گفتن به دشمن است. ایشان درباره ویژگی جهاد کبیر فرمودند: «این جهاد هوشمندی لازم دارد، این جهاد اخلاص لازم دارد. این جهاد، مثل جهاد نظامی نیست که کسانی در آنجا بدرخشند و چه شهیدشان، چه زنده‌شان و چه جانبازشان مثل قهرمان نشان داده بشوند... این جهادی است که ممکن است کسی خیلی هم زحمت بکشد اما چهره او را هیچ‌کس نشناسد؛ اخلاص لازم دارد این جهاد». (۳ خرداد، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام).

۵- شبیه همین مضمون را معظم‌له ۲۶ خرداد ۹۱ در دیدار خانواده و هم‌سنگران مرحوم حاج‌عبدالله والی (ره) فرمودند «... بعد از انقلاب، یک مرد جوان انقلابی پا می‌شود می‌رود آنجا [بشاگرد] همه دلبستگی‌هایش را از شهر و خانه و زندگی به مرکز مأموریت منتقل می‌کند... شما رفتید بی‌سروصدا مشغول خدمت شدید، نه جایی ثبت کردید، نه جایی تابلو زدید. بعضی‌ها هستند هر کاری می‌خواهند بکنند، قبل از اینکه کار انجام بگیرد، تابلویش را می‌زنند! مدتها تابلو آنجاست، هیچ کاری هم انجام نگرفته. بعضی‌ها هم نه، کار انجام می‌دهند، هیچ تابلویی هم ندارد. کار مرحوم حاج عبدالله والی و شماها از این نوع دوم است، یعنی بی‌تابلو رفتید و برای خدا کار واقعی کردید، اینها خیلی با ارزش است. بدانید این جورکارهای بی سر و صدا و خاموش و خالصانه، نه فقط برای شما پیش خدای متعال درجه و مرتبه درست می‌کند، بلکه در کل بنای جمهوری اسلامی اثر می‌گذارد، مثل سیمانی که در یک بنایی تزریق کنند و آن را مستحکم کنند. با انجام این جور کارهای مخلصانه، بنای جمهوری اسلامی مستحکم می‌شود بدون اینکه کسی بفهمد. یعنی وقتی در گوشه و کنار کشور در بین مردم کسانی هستند که کار را برای خدا می‌کنند، دنبال هیاهو و جلب نظر این و تحسین آن نیستند، یکی از خواصش این است که اصلاً خود این، بنا را مستحکم می‌کند، مثل روحی که در یک کالبدی بدمند».

۶- مطالبه اصول انقلاب و عناصر اقتدار و پیشرفت از دستگاه‌های مختلف به ویژه دولت در کنار تمهید زیرساختی «دولت دوازدهم» می‌تواند یک اولویت مهم برای همه نیروهای انقلاب باشد، مشروط بر آن که این مطالبه، عمومی و اجتماعی شود. به تعبیر رهبر انقلاب« وقتی یک گفتمانی در افکار عمومی شکل بگیرد، مسئولان اجرایی را به دنبال خود می‌کشاند.» طیف سیاسی متزلزلی که امروز عار نمی‌بیند استقلال کشور (آزادی در مقیاس یک ملت) را به حراج بگذارد، همان طیفی است که از دو دهه پیش به بهانه شعارهای «آزادی و اصلاحات و دموکراسی و حقوق شهروندی»، اصل راهبردی «عدالت» را سر برید و امروز در حالی ادعا می‌کند آزادی (اباحه‌گری) را به ارمغان آورده، که اگر موفق شود، یک ملت را به اسارت دشمن می‌کشاند. در مجال این ستون نمی‌گنجد که همه اعترافات طیف «همجُ رَعاع - حزب باد» (کلمه قصار ۱۴۷ نهج‌البلاغه) در این زمینه ذکر شود. تاج‌زاده ۲۸ تیر ۸۲ به روزنامه ایران گفته بود، «در دوره اول انقلاب، گفتمان غالب، متأثر از نظام دو قطبی بود و مبارزه با امپریالیسم و عدالت‌طلبی حرف اول را می‌زد، ولی اکنون گفتمان جهانی عوض شده و دوره دفاع از اصلاحات و دموکراسی و حقوق شهروندی است».

محسن آرمین در همین راستا ۲۵ خرداد ۸۱ در مصاحبه با ایسنا تصریح کرد «گفتمان حاکم در شرایط انقلاب، عدالت بود و اصلی‌ترین چالش‌ها و آرایش نیروهای سیاسی حول محور عدالت شکل می‌گرفت... اگر فضای کشور مجدداً به گونه‌ای شود که عدالت گفتمان اصلی شود، نیروهای انقلابی که بدنه اصلی جریان اصلاحی را تشکیل می‌دهند، دیدگاه‌های عدالت‌خواهانه خود را اعلام خواهند کرد[!!] البته این سخن به معنای آن نیست که تمام نیروهای جبهه اصلاح‌طلبان معتقد به عدالت هستند؛ از جریان معروف به راست مدرن و تکنوکرات در این جبهه حضور دارند تا نیروهایی که پیشینه و سابقه چپ دارند» بر همین سیاق علی شکوری‌راد ۶ مهر ۸۲ به روزنامه مردم‌سالاری گفت «انقلاب اسلامی در زمانی اتفاق افتاد که گفتمان سوسیالیستی در جهان عهده‌دار و پرچمدار انقلاب بود و حتی انقلاب و قانون اساسی ما تحت تأثیر گفتمان سوسیالیستی قرار داشت[!] ... فروپاشی شوروی نقطه پایانی بود برای این قضیه و آن دیدگاه اقتصادی که بلوک شرق را اداره می‌کرد، سپر انداخت در برابر دیدگاه اقتصادی سرمایه‌داری... طبیعتاً وقتی این گفتمان سوسیالیستی فروکش کرد و گفتمان آزادسازی اقتصادی مطرح شد، اقتضای زمان این بود که تجدیدنظرهایی صورت بگیرد»! چنین رویکرد پردامنه‌ای در حقیقت یک عوام‌فریبی تمام‌عیار و موج‌سواری مبتنی بر موج‌سازی دشمن است.

۷- تبیین هویت حزب بادی‌ها و نشان دادن نقش آنان در «تضعیف کشور» و «بردن مملکت به سمت دریوزگی بیگانگان» یک اولویت مهم ملی برای همه آنهایی است که دل گرو اسلام و انقلاب و ایران دارند. باید تناقض این جماعت در لاف آزادی زدن و در عین حال قربانی کردن استقلال کشور (آزادی در تراز ملی و جهانی) برای مردم روشن شود. به تعبیر رهبر معظم انقلاب «استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت. اینکه بعضی در زبان یا شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت در مقابل تحریم‌های مخالفان و بیگانگان محترم نباشد؟!». (۱۴ خرداد ۹۴، حرم مطهر حضرت امام-ره)

۸- انتخابات، نامزد جریان حزب‌اللهی و دولت دوازدهم، فرع بر موضوع ترویج گفتمان انقلاب است. برای این مسئولیت، تجدید سازمان و کادرسازی و برنامه‌ریزی و مدل‌سازی و رویکرد تیمی (نه ستاره‌ای شخص محور) ضرورت دارد. مجاری ارتباطات سازمانی و ارتباط با افکار عمومی را باید لایروبی کرد. اگر ۶۰ درصد ظرفیت تولید اقتصادی در کشور معطل باشد که باید راه‌اندازی مجدد شود، در همین حدود، ظرفیت‌های سازمانی و فرهنگی و ارتباطی در اختیار جریان حزب‌اللهی معطل و راکد مانده است که احیای آن متوقف به اقدام و عمل برآمده از امید و ایمان است. توقف در اشخاص یا حلقه‌های خاص، ناخواسته به فرقه‌سازی و محروم شدن از انبوه ظرفیت‌های در خدمت انقلاب و نظام می‌شود. تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در میان نیروهای انقلابی حق ندارند به اشخاص خاص محدود بمانند و اسباب کم‌انگیزگی در بدنه را فراهم کنند.

۹- دولت دوازدهم مسئولیت‌های مختلفی برعهده دارد که محصول بدعملی روسای دولت‌های یازدهم و دهم است. کم‌کاری موجود در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی، زحمت دولت آینده را دو چندان می‌کند. به اینها علاوه کنید جبهه رسانه‌ای هم افق با دشمن را که پس از شروع دور تازه تحریم‌ها در سال ۹۰، در خدمت فشار دشمن علیه دولت وقت عمل کرد و به تورم اقتصادی دامن زد. پیروزی در انتخابات بدون چاره‌اندیشی برای «شبیخون از تنگه رسانه»، اقدامی نیمه‌کاره است. با این اوصاف رئیس دولت دوازدهم قبل از هر چیز باید فردی «مسئولیت‌شناس» و برآمده از تعامل جمعی حزب اللهی و مبتنی بر اقدام «تیمی» سازمان یافته - معطوف به راهبرد جهاد کبیر در حوزه اقتصاد و فرهنگ و سیاست - باشد. آنها که اصالتا دنبال ستاره بازی و ستاره‌پرستی هستند و به برنامه و راهبرد جمعی اصالت نمی‌دهند، برای دولت کارآمد و مسئول تدارک نمی‌کنند. منطق رفتار شب امتحانی را باید کنار گذاشت و برای عبور از اضطرار زدگی و ناچاری، از همین حال رنج برد و تدارک کرد؛ حتی اگر زمان‌بر باشد. باید از گفتمان و مدل و تیم به شخص رسید، نه اینکه کار را کنترات سپرد و بعد دنبالش دوید. قدم را باید استوار برداشت؛ به تعبیر پیامبراعظم(ص) «رحمت خداوند بر کسی که کار را محکم و استوار انجام داد.»

محمد ایمانی

اندیشکده میدل‌ایست مطرح کرد

وابستگی اقتصادی ابزار غرب برای تغییر رفتار ایران پس از برجام

یک اندیشکده آمریکایی در گزارشی تاکید کرد که وابستگی اقتصادی، ابزار غرب برای تغییر رفتار ایران پس از برجام است.

اندیشکده آمریکایی «میدل‌ایست» در جدیدترین گزارش خود به وضعیت اقتصادی ایران پس از توافق هسته‌ای پرداخته است؛ این گزارش توسط زُبیر اقبال یکی از پژوهش‌گران این اندیشکده و تحت عنوان «گزینه‌های اقتصادی پساتحریم ایران» منتشر شده که اقتصاد ایران را قرار گرفته در یک چهارراه می‌داند و معتقد است: در حالی که انتظار می‌رود لغو تحریم‌ها باعث رشد اقتصادی ایران شود، شاخص‌های ضعیف و چشم‌انداز مخدوش آن، رشد آن را محدود می‌کند.

این گزارش با متهم کردن ایران به تجاوز منطقه‌ای و بیان این موضوع که اگر ایران گزینه سیاسی حفظ وضعیت کنونی (در منطقه) را در پی گیرد، در این صورت آمریکا باید برای ایران مشخص سازد که این سیاست با مقاومت شدید آمریکا و کشورهای منطقه مواجه خواهد شد و در این رابطه می‌نویسد: اگر بازیکنان اصلی تحت فشار قرار گیرند تا مستقیما در بخش نفت ایران سرمایه‌گذاری کنند، این امر می‌تواند به متقاعدسازی مقامات ایرانی کمک کند تا آنها با برگزیدن استراتژی دیگری به درستی به چالش‌های اقتصادی داخلی بپردازند و توازن استراتژیک منطقه‌ای را بپذیرند.

اندیشکده آمریکایی معتقد است که به منظور تشویق ایران برای پیگیری گزینه سیاسی اجرای اصلاحات گسترده و هماهنگ مد نظر غرب، آمریکا و نهادهای بین‌المللی باید از رویکرد یادشده حمایت کنند: همکاری با دیگر کشورهای منطقه‌ای صادرکننده نفت برای ایجاد قیمت جهانی نفت باثبات و واقعی، وابستگی متقابلِ سنتی را احیا خواهد کرد، و کمک می‌کند تا ایران تغییر موضع داده و بدنبال سیاست خارجیِ سازگاری و همکاری منطقه‌ای باشد. وابستگی متقابل با بازار جهانی و جریان سرمایه خارجیِ بالاتر، ایران را تشویق خواهد کرد تا بدنبال مواجه منطقه‌ای کمتری باشد و لذا باعث تسهیل در ثبات منطقه شود.

اندیشکده «میدل‌ایست» در ادامه به گزینه دیگر مقامات ایران یعنی اجرای اصلاحات سیاسی نرم و خنثی مطلوب غرب اشاره می‌کند که در صورت اتخاذ این گزینه توسط مسئولان ایرانی، پیشنهاد می‌دهد که سهامداران منطقه‌ای و جهانی می‌بایست گام‌های لازم را بردارند تا مقامات ایرانی به سوی موضع‌گیری سیاسیِ فعال مدنظر غربی‌ها حرکت کنند: کاهش محدودیت‌های تجاری و همکاری سرمایه‌گذاری در بخش غیرنفتی می‌تواند منوط به اصلاحات سیاسی داخلی (در ایران) شود. به همین سان، سازگاری تولیدکنندگان اصلی نفت در تنظیم قیمت‌های نفت می‌تواند انگیزه‌ای برای به چالش کشاندن اصلاحات سیاسی باشد.

این گزارش سپس می‌افزاید که به نفع تمامی عوامل درگیر در پویایی‌های منطقه است تا ایران را ترغیب کنند که گزینه دیگری یعنی اجرای اصلاحات گسترده و هماهنگ مد نظر غرب را اختیار کند و سیاست اقتصادی مورد نیاز و اصلاحات ساختاری را اجرا کند و در این رابطه می‌نویسد: «تمرکززدایی از تصمیم‌گیری در خصوص سیاست اقتصادی و ایجاد نقش بزرگتر برای بازار در تخصیص منابع، همراه با نقش کاهش‌یافته بخش عمومی در اقتصاد، حیاتی است. این گام‌ها رشد را به همراه خواهد داشت، فرصت‌های شغلی را افزایش خواهد داد، و از یکپارچگی ایران با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی حمایت می‌کند. آنها همچنین باعث قدرتمند شدن بخش‌های متوسط جامعه خواهند شد که در انتخابات ۲۰۱۳ روحانی را انتخاب کردند و در پیروزی‌های انتخابات تازه مجلس نیز نقش داشتند».

اندیشکده آمریکایی، شرکای تجاری اصلیِ تحت حمایت آمریکا، سرمایه‌گذاران بین‌المللی و آژانس‌های وام‌دهی را به‌عنوان عواملی که می‌توانند نقش مهمی در این فرایند اصلاحات مطلوب غرب در ایران داشته باشند، معرفی می‌کند و معتقد است: «در حالی که نیروهای داخلی بر بحث پیرامون استفاده از درآمدهای نفتیِ کمتر پیش‌بینی‌شده فایق خواهند آمد، نیروهای خارجی می‌توانند بر مسیر تخصیص منابع اثر گذاشته و به دستیابی ایران به اهداف دومنظوره خود کمک کنند.

ایران نه تنها در بخش نفت بلکه در توسعه فعالیت‌های فشرده فناوری در بخش غیرنفتی، که برای پرداختن به افزایش بیکاریِ جمعیت باسوادِ جوان مورد نیاز است، نیز به سرمایه‌گذاری خارجی وابسته خواهد بود. به نفع سرمایه‌گذاران خارجی است که مورد حمایت سیاست‌های مناسب بازارمحور در مشارکت با سرمایه‌گذاران داخلی قرار گیرند که کمتر با قوانین و کنترل‌های دست و پا گیر مواجه‌اند».

به گزارش مشرق، اندیشکده «میدل‌ایست» سپس به نقش مهمی که سازمان‌های چندجانبه اقتصادی و مالی و دولت‌های کشورهای سرمایه‌گذارِ اصلی می‌توانند در فرآیند این اصلاحات یادشده در ایران ایفا کنند، اشاره کرده و پیشنهاد می‌دهد که سازمان‌هایی مانند بانک جهانی به مقامات ایرانی توصیه کنند که اصلاحات سیاسی لازم (مطلوب غرب) را به اجرا درآورند: «موضع آنها می‌تواند اثر مثبت مهمی در انتخاب‌های سرمایه‌گذاری خصوصی داشته باشد. عضویت سریع در سازمان تجارت جهانی و دسترسی به بازارهای جهانی آزاد، چرخه با فضیلت آزادسازی و یکپارچگی اقتصادی را کامل خواهد کرد. موضع صریح به بازداشتن مداخله ایران با هدف جایگزین کردن توازن استراتژیک منطقه‌ای می‌تواند منجر به تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به تخصیص منابع و توازن در اولویت‌ها در جهت رشد داخلی شود».

گفت و شنود

تزریق

گفت: آمریکایی‌ها می‌گویند نتیجه برجام برای ایران همین است که بوده و اگر چیزی بیشتر می‌خواهند باید امتیاز جدید بدهند و در سیاست داخلی و خارجی خود هم تجدیدنظر کنند.

گفتم: حالا همین که تا به حال بوده چیست؟

گفت: به قول رئیس بانک مرکزی «تقریبا هیچ» ... تحریم‌ها که برداشته نشده، دارایی‌های مسدود شده که دریافت نشده، ارتباط بانکی برای تجارت هم که برقرار نشده و...

گفتم: ولی سانتریفیوژهای ما از ۲۰ هزار دستگاه به ۸ هزار کاهش یافته، غنی‌سازی ۲۰ درصد را متوقف کرده‌ایم، راکتور اراک را بتن ریخته‌ایم، ۹۷۰۰ کیلو اورانیوم غنی شده را از کشور خارج کرده‌ایم و...

گفت: پس چرا حامیان برجام، به جای اینکه بر سر آمریکا فریاد بکشند و عهدشکنی و کلاهبرداری شیطان بزرگ را ملامت کنند، به منتقدان حمله می‌کنند و دق و دلی خود را سر آنها خالی می‌کنند؟!

گفتم: چی بگم؟! یارو می‌گفت این تزریقاتچی‌ها یک جوری به آدم آمپول می‌زنند که انگار ۹۰ درصد مشکلات آنها تقصیر ماست!

عضو شورای روابط خارجی آمریکا:

پیروزی اعتدال‌گرایان در انتخابات ایران توهم بود

عضو شورای روابط خارجی آمریکا تاکید کرد: توافق هسته‌ای به هیچ وجه نتوانست نزدیکان رئیس‌جمهور ایران را در بدنه سیاسی داخلی و خارجی ایران جا بیاندازد و عبارت اینکه اعتدال‌گرایان در انتخابات ماه فوریه پیروز شده‌اند تنها یک تخیل و وهم است.

مجله آمریکایی نیوزویک در گزارشی به قلم «الیوت آبرامز» با عنوان «دیگر مزخرفی در مورد پیروزی اعتدالگرایان در ایران نشنویم» به شکست حزب اعتدال در انتخابات پرداخت و نوشت: در حالی که توافق هسته‌ای ایران با غرب در سال گذشته امضا شده است، یکی از دلایل امضای آن این بود که این توافق می‌تواند به اعتدالگرایان در ایران کمک بزرگی انجام دهد و زمانی هم که انتخابات مجلس و انتخابات مهم خبرگان رهبر ایران انجام شد بسیاری از تحلیلگران اعلام کردند که اعتدالگرایان پیروز انتخابات ایران شده‌اند.

عضو شورای روابط خارجی آمریکا و نویسنده این مقاله در مجله نیوزویک ابراز داشت: «بعد از انتخابات ایران، روزنامه وال استریت ژورنال با تیتر «اعتدالگرایان انتخابات کلیدی ایران را پیروز شدند» و یا ان‌پی‌آر با تیتر «اعتدالگرایان اکثریت کرسی‌های مجلس خبرگان را از آن خود کردند و حزب اعتدال ایران مشت محکمی را به تندروها زده است» و وب سایت شبکه فاکس‌نیوز با تیتر «اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان ایران که حامی توافق هسته‌ای بوده‌اند انتخابات مهم ایران را از آن خود کرده‌اند» به انتخابات ایران پرداختند.

مقاله‌نویس نیوزویک در ادامه افزود: برخی از تحلیل‌گران و من در همان زمان نیز تحلیل متفاوتی داشتیم و در همان زمان نیز پیروزی اعتدالگرایان را تخیلی بیش ندانستیم. اکنون نیز با پیروزی احمد جنتی برای ریاست انتخابات مهم خبرگان رهبری، تحلیل بسیاری از خبرگزاری‌ها و رسانه‌های غرب چیز دیگری را نشان می‌دهد و همه از پیروزی اصولگرایان در انتخابات ایران حرف می‌زنند.

الیوت آبرامز در ادامه نوشت: به عبارت دیگر باید گفت اکنون ثابت شده است که پیروزی اعتدالگرایان در انتخابات فوریه، قطعا رد شده است. اکنون مجلس خبرگان رهبری که گفته می‌شد در آن تندروهای ایران شکسته خورده‌اند، احمد جنتی را به عنوان رئیس مجلس خود انتخاب کرده است.

به گزارش فارس عضو شورای روابط خارجی آمریکا در پایان تاکید کرد: «در نهایت چیزی که می‌توان گفت این است که توافق هسته‌ای به هیچ وجه نتوانست نزدیکان رئیس‌جمهور ایران را در بدنه سیاسی داخلی و خارجی ایران جا بیاندازد و عبارت اینکه اعتدالگرایان در انتخابات ماه فوریه پیروز شده‌اند تنها یک تخیل و وهم است. اکنون مجلس خبرگان رهبری ایران فردی را به عنوان رئیس خود انتخاب کرده است که او تندروترین روحانی ایران است و مجلس خبرگان ایران است که رهبر عالی آینده ایران را انتخاب خواهد کرد.

خبر ویژه

سوء قصد ادعایی زنجیره‌ای‌ها دروغ از آب درآمد

ادعای نشریات زنجیره‌ای درباره سوء قصد و ترور برادر میرحسین موسوی دروغ از آب درآمد.

نشریات اجاره‌ای مدعی اصلاح‌طلبی چند هفته پیش در تیتر و عکس‌های اول خود مدعی سوء قصد و ترور علیه میرمحمود موسوی شده و حتی تلاش کرده بودند مقامات وزارت کشور و استانداری تهران را نیز وارد بازی کثیف خود کنند.

اما میرمحمود موسوی ضمن رد سیاسی- امنیتی بودن حادثه پیش آمده برای وی، به سایت جماران گفت: طرح بعضی مطالب در رسانه‌ها و سایت‌های مجازی مبنی براینکه این قضیه سیاسی- امنیتی بوده، این برداشت را ایجاد کرد که من این مطالب را اظهار کرده‌ام. نه خیر. از روز حادثه تا به امروز هیچ مصاحبه و مطلبی در این زمینه نداشته‌ام و به هیچ رسانه‌ای هم نگفته‌ام که این حادثه سیاسی- امنیتی بوده است.

وی افزود: در شب حادثه نیز نیروی انتظامی در محل حضور پیدا کرد و همراهی خوبی داشت و من را به بیمارستان راهنمایی کرد و در خاتمه هم از آنان تشکر کردم. براساس پیگیری‌های به عمل آمده نیز موضوع، سوء تفاهم بوده است.

وکیلی: عارف دیگر نامزد ریاست مجلس نمی‌شود

نماینده تهران گفت عارف دیگر برای ریاست مجلس نامزد نمی‌شود.

محمدعلی وکیلی گفت: با توجه به نتایج به دست آمده، آقای عارف دیگر برای انتخاب هیئت رئیسه دائم نامزد نخواهد شد.

وی ادامه داد: به جز عارف دیگر اصلاح‌طلبان در انتخابات هیئت رئیسه دائم شرکت می‌کنند.

وکیلی در گفت‌وگو با عصر ایران تصریح کرد: در انتخابات هیئت رئیسه احتمالا علی مطهری جای دهقان و بنده جای امیرآبادی را خواهیم گرفت(!) و اصلاح‌طلبان بیشتری در هیئت رئیسه حضور خواهند داشت.

یادآور می‌شود عارف در انتخابات ریاست مجلس ۱۰۳ رأی آورد و این در حالی است که علی لاریجانی حائز ۱۷۳ رأی نمایندگان شد.

در همین حال مصطفی کواکبیان دیگر نماینده اصلاح‌طلب به ایسنا گفت: واقعیت این است که ۴۰-۵۰ نفر از دوستانی که با ما عکس یادگاری می‌گرفتند، رفتند و زنبیل‌شان را جای دیگری گذاشتند.

از دست رفتن امید و نگرانی درباره ریزش بیشتر افراطیون

یک روزنامه زنجیره‌ای خواستار بازگرداندن امید به اردوگاه اصلاح‌طلبان شد.

آفتاب یزد نوشت: اصولگراها از طرفداران به مراتب ثابت‌تری به نسبت اصلاح طلبان برخوردار هستند که این ویژگی حیات سیاسی و کنش‌های فکری- اجتماعی اصلاح طلبان را با مخاطره بیشتری همراه می‌سازد و از این رو نیازمند تأملی هدفمند و کارشناسانه از سوی احزاب و بزرگان اصلاح طلب است.

جریان اصلاح‌طلبی در شرایط حاضر به اجبار یا براساس یک راهکار یا استراتژی، بخشی از هویت خود را به دلیل فاصله گرفتن از برخی نیازها و خواسته‌های طرفدارانش و همراه شدن با جریان‌های نزدیک سابقا دور برای وصل شدن و اتخاذ رویکردی معطوف به قدرت، از دست داده است؛ اتفاقی که اگر بیش از حد ادامه یابد در کوتاه مدت می‌تواند نوآوری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی آنها را با چالش مواجه کند، شرایط را برای نفوذ و تأثیرگذاری نیروهای غیرهمسو ایجاد کند و جریان اصلاح‌طلبی را با مصلحت‌اندیشی‌های منفعت‌طلبانه برخی از نیروهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز از درون استحاله نماید. در بلندمدت هم موجبات هضم آرام اندیشه و هدف آنان را در بازی‌های فرسایشی قدرت فراهم آورد. با این روند بیم آن می‌رود که با مخدوش شدن هویت متشخص اصلاحات، استراتژی‌های اتخاذ شده که غالبا غیرجذاب، دمده و فاقد خلاقیت و نوآوری است بخش سرنوشت‌ساز سرمایه اجتماعی مجموعه اصلاح‌طلبی را دلزده و طرد نماید.

این روزنامه می‌افزاید: بی‌توجهی به خواست طرفداران اجتماعی اصلاحات، مصلحت‌طلبی‌های آسیب‌رسان به هویت اصلاح طلبی، کوتاه‌آمدن‌های پیاپی در تقابل‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و بهره گرفتن از نیروهای بیش از حد محافظه‌کار و کم‌دغدغه در این زمینه خطری جدی برای اصلاح طلبان و نزدیکان سیاسی آنها به نظر می‌رسد که می‌تواند با مأیوس نمودن حامیان اجتماعی، مخدوش شدن غرور سیاسی- اجتماعی آنها و تهی شدن جریان از رویکردهای خلاق و افق‌های فکری- رفتاری نو و هماهنگ با خواسته‌های متنوع مردم، فعالیت سیاسی آنها را به ویژه در انتخابات مختلف از جمله انتخابات ریاست جمهوری آینده با چالش مواجه گرداند.

در حال حاضر اما احساس می‌شود بی‌توجهی به خواست بخش سرنوشت سازی از مردم که برآورده شدن مطالباتشان را در جریان اصلاح‌طلبی دیده‌اند به همراه کوتاه آمدن و دست‌زدن به یک معامله مصلحتی- منفعتی در مورد عدم پافشاری بر ریاست دکتر عارف می‌تواند ضمن خدشه وارد شدن مجدد به هویت اصلاح‌طلبی و غرور سیاسی- اجتماعی طرفدارانش، احساس یک شکست استراتژیک و سازماندهی شده از سوی رقیب را در بدنه اصلاح‌طلبی کشور ایجاد کند.

این احساس به حتم ریزش بخش دیگری از سرمایه اجتماعی این جریان را به همراه خواهد داشت. اتفاقی که در فرصت باقی مانده تا انتخابات ریاست جمهوری ۹۶، احزاب اصلاح طلب به ویژه با شرایط اقتصادی و سیاسی امروز، نخواهند توانست به راحتی جبران نمایند.

سه شد... فتیله را بکشید پایین!

نشریات زنجیره‌ای با پیش‌بینی ناکامی اصلاح‌طلبان در انتخابات هیئت رئیسه مجلس، دیروز ریل خود را عوض کردند و این موضوع را به بوته فراموشی سپردند!

در حالی که این روزنامه‌ها تا چند روز پیش دم از پیروزی در انتخابات و ریاست عارف با ۱۶۸ رای می‌زدند، دیروز (یک روز مانده به انتخابات هیئت رئیسه) خط این روزنامه‌ها به طور هماهنگ عوض شد. روزنامه‌های مذکور با انتشار یکنواخت تصور حضور هاشمی، روحانی و سیدحسن خمینی در مجلس تیترهای مشترکی از این قبیل را انتخاب کرده‌اند:

- هفت صبح: مجلس میانه‌روها
- شهروند: مجلس دهم؛ پایان تندروی، آغاز اعتدال
- فرهیختگان: تشکیل مجلس میانه‌روها
- اعتماد: معماران مجلس اعتدال در روز افتتاح
- آفتاب یزد: پایان روزهای ملال‌آور
- شرق: زنگ امید در بهارستان

به نظر می‌رسد این قبیل تیترها برای تشفی خاطر و روان درمانی مخاطبان از همه جا بی‌خبر است که پس از چند ماه لغزخوانی و لاف پیروزی مدعیان اصلاح‌طلبان، اکنون تعلق ۹ کرسی از ۱۲ کرسی هیئت رئیسه به اصولگرایان را مشاهده می‌کنند. عارف در وزن‌کشی دیروز و در مقابل ۱۷۳ رای لاریجانی، بیش از ۱۰۳ رای کسب نکرد و از ریاست هیئت رئیسه موقت بازماند.

افراطیون اصرار داشتند ابقای لاریجانی در ریاست را محافظه‌کاری و انتخاب عارف را تغییر جا بزنند اما آنچه معلوم است آنها کمترین موفقیتی به دست نیاورده‌اند ضمن اینکه همین طیف پیش از این عارف را اصلاح‌طلب بدلی توصیف می‌کردند.

گسترش نگرانی حامیان دولت از تشدید رکود در پسابرجام

عملکرد ناموفق دولت در زمینه اقتصادی، محافل اقتصادی و رسانه‌ای حامی دولت را نگران کرده است.

خبرگزاری اصلاح‌طلب ایسنا با اشاره به پُز کاهش تورم از سوی مسئولان دولتی، از قول حجت‌الله میرزایی اقتصاددان نوشت: کاهش قیمت کالاها و خدمات مصرفی در اردیبهشت نسبت به فروردین نشانه دوران رکود اقتصادی است. تورم منفی در کنار شاخص‌هایی مانند تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی و... نشانه‌های خوبی نبوده و بیانگر آن هستند که تولید در وضعیت رونق اقتصادی قرار ندارد.

این مدرس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، همچنین بیان کرد: با توجه به این شرایط، گرچه تاکنون سیاست‌های مقابله با تورم دولت موفق بوده است، ولی لزوما ادامه این سیاست‌ها به نفع اقتصاد کشور نیست و ممکن است به تعمیق رکود دامن بزند.

همزمان روزنامه دنیای اقتصاد ضمن ستایش از توافق برجام نوشت: «در پی این موفقیت بزرگ همه انتظار گشایشی جدی در زمینه‌های اقتصادی داشتیم؛ زیرا از یک طرف تحریم‌های جدی برداشته می‌شد و از طرف دیگر دولتی توانمند را در حیطه توافق هسته‌ای آزموده بودیم. ولی به نظر می‌رسد آن‌گونه که فکر می‌کردیم در حیطه اقتصاد اتفاق نیفتاد و روند امور حاکی از آن است که در آینده نیز چنین نخواهد شد. در ابتدا مواردی از انتظارات و عدم توفیق‌ها را مرور کنیم با ذکر این مهم که برای راهگشایی در بستر اقتصادی بیشتر بر مشکلات تمرکز خواهیم کرد. این دولت نتوانسته برنامه‌ای برای رشد اقتصادی ارائه دهد تا مردم و جامعه کسب و کار بدانند که چه آینده‌ای در پیش رو دارند. این بی‌برنامگی به چه دلیل به وجود آمده است؟

دولت برعکس می‌فهمد این مدل کاهش تورم یعنی تعمیق رکود!

در حالی که مقامات دولتی مرتبا با افتخار از نزدیکی به تک رقمی شدن نرخ تورم سخن می‌گویند، یک اقتصاددان این اتفاق را نشانه عمیق‌تر شدن رکود اقتصادی و خطرناک توصیف کرد.

محمدقلی یوسفی به روزنامه شرق گفته است: کاهش تورم به هیچ وجه نشان‌دهنده این نیست که کلیت اقتصاد بهبود پیدا کرده است؛ گرچه شاید قیمت برخی اقلام به شدت افت کند. اگر کسی کمترین اطلاعاتی از شرایط بحران رکود تورمی داشته باشد، می‌داند که در این وضعیت قیمت‌ها پایین می‌آیند. در حالی که پایین آمدن قیمت‌ها، به‌خصوص قیمت‌های بخش صنعت و کشاورزی، نه تنها پسندیده نیست بلکه تاسف‌بار هم خواهد بود چرا که نشان‌دهنده وخیم شدن وضعیت رکودی در داخل جامعه است. وقتی روز به روز تعداد بیکاران بیشتر می‌شود، طبیعتا دستمزد واقعی نیروی کار پایین آمده